



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۶/۰۶

عبدالقیوم میرزاده

## سخنی در باب فتنه یا بغاوت

فتنه یا بغاوت در دفتر آنند راج بنام طغیان، حمله کردن و یورش بردن ثبت گردیده است که در انگلیسی آنرا Sediton یا Insurgency می نامند عبارت از یک عمل فراقانونی به منظور تضعیف و نابودی نظم عمومی جامعه از جانب عده فتنه انگیز بغاوت گر در جوامع راه اندازی میگردد. فرق آن با شورش های مردمی این است که شورش مردمی در پرتو قانون به اقدامات مدنی دست زده و راه های برون رفت را برای ثبات سیاسی و اجتماعی در نظر میداشته باشد. گرچه در تاریخ جوامع بشری نمونه های فراوان از شورش های مردمی هم وجود دارد که از کنترل شورش گران خارج شده و به جنگهای بزرگ خانمانسوز داخلی و قومی مبدل گشته است که عواقب زیانباری را برای عده از این کشور ها ببار آورده است. نمونه عراق ، انگولا و سومالی بدترین نمونه های از این نوع شورش ها بشمار می آید.

در کشور آسیب پذیر و شکنندی چون افغانستان که همسایگان تمام اش چون پاکستان، ایران روسیه و چین سرمایه گذاری هایی بزرگ استخباراتی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را در جریان چهل سال بی ثباتی اخیر و نبود یک حکومت مرکزی مقتدر، نبود تعریف های مشخص از منافع ملی کرده اند هر نوع فتنه، بغاوت و یا شورش برابر است با فروپاشی کامل این سازمان یا اداره شکنند که خارجیان شامل قوت های ناتو و ایالات متحده امریکا و همسایگان به همین منظور یعنی فروپاشی آن در هر زمانی که خودشان خواسته باشند آنرا چنین بی ثبات و شکننده نگه داشته اند. این تجاوز گران از همان ابتدا هم حکومت را بنابر نبود کادر ملی اندیش در اداره و رهبری کشور به طریقه های استعماری در گرو سیاسی و اقتصادی خویش محکم گرفتند و هم طالبان، نیرو های باغی چون شورای نظار ، جمعیت اسلامی، جنبش ملی اسلامی شمال، دزدان و قاچاقبران مواد مخدر و معادن کشور که همه در گذشته قواندانان محلی تنظیم های جهادی بودند و منافع شان را جنگ و ادامه بحران تأمین میکرد را وسیعاً مسلح ساخته و حتی در داخل شهر ها زیر نام موسسات امنیتی تحت اداره همان باغی های تنظیمی ده ها هزار سلاح های ثقیل و خفیف را در میان مردم توزیع کردند و به این ترتیب یک حکومت ملوک الطوائف را در کشور تحت رهبری حامد کرزی این شخصیت سازشگر تاریخ کشور ما زیر اداره خودشان قرار دادند.

بعد از انتخابات سال ۲۰۱۴ که انکشاف اوضاع به میل طراح این سیاست گران استعماری یعنی ایالات متحده امریکا صورت نگرفت این فتنه و بغاوت را به کمک همین جاسوسان بیگانه، دکانداران دین، دزدان، قاچاقبران، مافیای زمین، مواد مخدر، معادن کشور و مفسدین درون اداره حکومت تا دیوار های ارگ ریاست جمهوری به حیث وسیله فشار مضاعف بالای حکومت تازه بمیان آمده از انتخابات، رسانیدند. تا اینکه حکومت امریکا بدون در نظر داشت اصل احترام به عدم مداخله در امور یکدیگر و حقوق بی الدول بوسیله جان کری وزیر خارجه اش حکومت (وحدت ملی) که در حقیقت حکومت افتراق ملی بود بر شانه های خمیده ای ملت نا آگاه و نادان ما که کمترین فهمی و یا هم هیچ فهمی از منافع ملی خویش و تطبیق قانون ندارند و به کرات با هر دزدی دهن جوال را گرفته اند تحمیل کرد. به این ترتیب نیروی ائتلافی حکومت بنام شورای اجراییه که از همان غاصبین زمین، دزدان و قاچاقبران نماینده گی میکرد در این چهار سال بصورت فراقانونی چون خارجشی جلو تحولات بنیادی را گرفته و به گونه های مختلف از

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی

اقدامات و اجراءات انكشافی، حكومت سازی، تحكیم حاكمیت قانون و تقرر كادر های متخصص ملی در بخش های تخصصی جلوگیری بعمل آوردند.

در طول این مدت چهار سال هیچگاهی نه اعتراضی، نه تفسیری و نه توجیه ای به این عمل غیر قانونی جان گیری ارائه نکردند. این عناصر مفسد ائتلافی و رابطه هایشان در گوشه و کنار کشور خاصاً در پایتخت در همکاری با سازمان های استخبارات خارجی مخصوصاً سازمان استخبارات نظامی پاکستان ISI برای تحت فشار قرار دادن متداوم حكومت سلسله انفجارات و عملیات های انتحاری را كه هر بار فی البدیعه مسؤلیت اش را طالبان و یا داعشیان به عهده میگرفت تا عناصر درونی دستگاه ائتلافی از گزند در امان بمانند. موجودیت و تأثیر گذاری این عناصر متشكله ائتلاف در تمام حرکت های مخالف منافع ملی و بی ثبات ساز از همان آغاز حكومت ساخت جان گیری مشهود بود آنها به هر بهانه ای جلو ساختار های قدرت را در راه اتكا به خود یا متكى به خود شدن را گرفتند و در برابر تصامیم حكومت تا سرحد فتنه گری ها و بغاوت های مسلحانه و انسداد شاهراه ها بوسیله افراد نادان آغابلی گوی شان انجام دادند.

در این راستا سازمان استخبارات پاکستان و ایالات متحده امریکا متحدانه این عناصر بغاوت گر را همزمان با طالبان حمایت تسلیحاتی، مالی، اندیشوی و لوژستیکی کردند و بوسیله مانور های تبلیغاتی هر از گاهی پایه های لرزان حكومت را لرزان تر ساختند. با فشار مضاعف ذو جوانب تحت عنوان مضحكه مذاكرات صلح نگذاشتند انتخابات ریاست جمهوری در زمان معین صورت گیرد. امریکا در همکاری با پاکستان و عناصر مفسد درونی اعضای شورای نظار، دین فروشان جمعیت اسلامی، قاچاقبران و دزدان، غاصبین زمین و مفسدین درون اداره کشور در جریان مذاكرات با طالبان و تفاهم با آنها چندین بار طرح حكومت مؤقت، حكومت سرپرست و حكومت وسیع را عنوان کردند كه هر بار از جانب حكومت افغانستان به همکاری حكومات کشور های كه طرفدار ثبات اوضاع در کشور ما برای تجارت و روابط با ثبات نيك هستند این دسایس را ناکام ساخته و گوشه از این توطئه ها را بر ملا ساختند.

امریكا، پاکستان و عناصر خود فروخته ضد ملی در محاسبات شان دقیقاً عدم مشروعیت حكومت را بعد از اختتام دوران معینه ریاست جمهوری كه قانون اساسی کشور آنرا اول جوزا تعیین کرده است در نظر داشتند كه امریکا زیر فشار نظامی و دیپلماتیک و به بهانه مذاكرات صلح با طالبان حكومت را مجبور به تعویق زمان انتخابات ابتدا بتاريخ ۲۰ جولای ۲۰۱۹ و بعداً به ۲۸ سپمبر ۲۰۱۹ به تعویق میگرداند و مفسدین، بغاوت گران در كمین نشسته بنا بر عدم درك كارشناسانه ایشان از احكام قانون چنین محاسبه کرده بودند كه بعد از اول جوزا بنام اینكه حكومت مشروعیت ندارد فتنه و بغاوت را راه اندازی میکنند. آنها همچنان شورای كاندیدان ریاست جمهوری را نیز در این راستا برای این امر فتنه گرانه ضد ملی فعال ساختند.

حكومت با در نظر داشت احكام قانون كه چنین صراحت دارد: در فقره دوم ماده ۶۱ قانون اساسی آمده است: « وظیفه رئیس جمهور در اول جوزای سال پنجم بعد از انتخابات پایان میابد.» كه ختم وظیفه رئیس جمهور با انتخابات مشروط بوده و هرگز به شكل انتزاعی خالی قانونی نمی باشد و هر دو مسله ذكر شده هم دوره كار رئیس جمهور و هم تدویر انتخابات به يك اندازه از اهمیت قانونی برخوردار اند. در فقره سوم ماده ۶۱ قانون اساسی موعده تدویر انتخابات ۳۰ تا ۶۰ روز قبل از ختم دوره كار رئیس جمهور صراحت دارد كه بدون تاخیر باید اجرا میشد اما همانطوریکه در بالا ذكر كردم زیر فشار مضاعف خاصاً مسایل بودجوی و مالی حكومت را نگذاشتند در وقت معینه انتخابات ریاست جمهوری را برگزار كند و به این ترتیب در شرایطی كه هنوز نتایج انتخابات پارلمانی هویدا نبوده و پارلمان کشور تعطیل بود ستره محكمه منحيث عالیترین ارگان قضایی کشور كه بعد از پارلمان تفسیر قوانین شامل وظایف داخلی آن میباشد بر اساس حكمی مدت كار رئیس جمهور را تا بر گزاری انتخابات تمدید كرد كه حكومت با سیلی از فتنه گری ها و فعالیت های بغاوت گرانه این عناصر فتنه انگیز مواجه گردید.

با دقت به این روند نگاه کنید! در جریان چهار سال اخیر این عناصر سبوتازگر در برابر همه اقدامات حكومت برای يك انتخابات شفاف و تعیین کمیسیون های انتخاباتی و کمیسیون شكایات انتخاباتی همه انواع سنگ اندازی تا سرحد تظاهرات سراسری جلو كار کمیسیون های انتخاباتی را گرفتند ولی یکبار هم نگفتند كه حكومت افتراق ملی قانونی نیست و عناصر شامل ساختار فراقانونی بایست بخاطر منافع ملی استعفا میدادند تا روند قانون در کشور صدمه نمیدید. در زمانیکه قرار بر تدویر بموقع انتخابات در ماه اپریل سال ۲۰۱۹ گرفته شد همین فتنه انگیزان به كمك

زلمی خلیل زاد سرو صدا براه انداختند که حالا وضعیت در جهت صلح با طالبان در انکشاف است رئیس جمهور میخواهد همه امور را به نفع خود سازمان داده و از انتخابات بهره برداری سوء میکند. وقتا که انتخابات را رئیس جمهور طی فرمانی به تعویق انداخت هیچکدام از این فتنه انگیزان طرح نکردند که با تعویق انتخابات مسئله ادامه کار رئیس جمهور چه خواهد شد؟ در آنزمان همه در این بابت سکوت کردند و نه نگاهی به قانون انداختن و تفسیری از قانون انجام دادند. یعنی اینکه جریان بر اقتضای اهداف شان سیر داشت و منتظر موعود پلان شده ای شان بودند. این نا بکاران فتنه گر که اکنون مشروعیت رئیس جمهور را زیر سوال میبند که گویا در قانون ادامه کار موصوف بعد از اول جوزا در نظر گرفته نشده است و مردم را به بلوای عمومی، بغاوت، فتنه گری تا نابودی تمام زیر ساخت های حکومت داری در نظر دارند این توجه ندارند که هر نوع فتنه و بغاوت این ها و جمع پیشنهادات شورای کاندیدان مبنی بر حکومت سرپرست و حکومت مؤقت در کجای قانون اساسی و قوانین نافذ کشور در نظر گرفته شده است؟

بهانه حکومت سرپرست را برای اینکه رئیس جمهور از مدیریت انتخابات در ماه سپتمبر به نفع خویش استفاده نکند عنوان میکنند. بدون اینکه این درک را داشته باشند، اگر انتخابات در موعد مینه هم تدویر می یافت رئیس جمهور با صلاحیت های بیشتر میتواندست این مدیریت را انجام دهد. واقعیت امر این است که تدویر انتخابات از وظایف کمیسیون های انتخاباتی است و اگر آنها به این قدرت خود که امروز مردم را به بلوای عمومی علیه حکومت میثورانند تا کشور را به بحران غیر قابل محار سوق دهند باور دارند، چرا از همین قدرت شان در انتخابات برای کسب آرای مردم از طرق دیموکراتیک و مشروع و در زیر خطوط زرین قانون اساسی استفاده نمیکنند که منافع ملی را تمثیل میکند؟

از تحلیل اوضاع و آنچه تا اینجا گفته آمدیم بر می آید که این عناصر فروخته شده در زیر دیکته سازمانهای استخبارات خارجی به قول خودشان برای تصاحب قدرت از راه زور گویی و به شوه ای مافیایی هستند. این نابخردان درک نمیکنند که اگر شیرازه ای این حکومت لرزان بریزد با این همه کرگسان در کمین نشسته که همه منافع شانرا غرض چور و چپاول و اهداف استراتژیک منطقوی شانرا در ادامه بحران و جنگ جستجو میکنند هیچ کسی توان مندی کنترل اوضاع را نداشته و کشور یکبار دیگر حوادث دهه نود را به تکرار میگیرد که کفاره آنرا مردم عذابیده و بلاکشیده ما خواهد پرداخت.

جامعه انسانی در طول حیات فعالیت اش بوسیله قوانین از طریق استقرار نظم و تأمین امنیت کار و فعالیت کرده است هیچگاهی در طول تاریخ بلوای عمومی، بحران ها و تشدید بحران باعث استقرار نظم دریک جامعه نگشته است خاصتاً جامعه آسیب پذیر ما که به سختی در برابر این همه دسلیس داخلی و خارجی نفس میکشد. نباید مردم را فریب داد. این تاجران دین، دزدان که از دوران جهاد تا کنون از خون ملت صاحب دارایی های میلیونی شدند خود را مشروع و قانونی به حساب می آورند. کدام یکی از این اوباشان قاچاقبران مافیایی حاضر هستند دارایی های شان را برای مردم افغانستان حساب دهند تا مردم به فکر مشروعیت شان باشد. این نا بکاران به یاد داشته باشند که تاریخ کشور نام این خود فروختگان را در صفحات سیاه خویش به حیث لکه ننگ ثبت میکند و این ها هم به حکم وجدان و هم به حکم اجتماع طرد مردم اند. شورای نامزدان بر علاوه دزد مشهور عطا با این عمل وقیحانه ضد ملی شان وثیقه ضد ملی شانرا ثبت اوراق تاریخ کردند که مردم هرگز آنها را نخواهد بخشید و محکمه عدالت مردمی دیر یا زود گلوی این خاینین را خواهد فشرد.

مردم شرافتمند و مستضعف افغانستان بیدار شوید و دیگر فریب این دسیسه بازان حرفویی را که در تبنای استادان خارجی شان چهل سال است کشور و مردم ما را از یک بحران به بحران دیگر سوق میدهند و در هر مقطع این نابکاران خاینین ملی ظهور مجدد دارند نخورید، بیدار شوید و درک کنید که تنها تطبیق استحکام حکومت و ارگانهای ثلاثه دولت است که متضمن تطبیق و نهادینه کردن قانون و نظم را در کشور دارد. تنها از راه تطبیق قوانین مردم به رفاه میرسند. هیچ راه دیگر متضمن قانونیت و تطبیق قانون نیست. برعکس فتنه ها، آشوب ها و بغاوت ها که دشمنان قسم خورده ای مردم ما در عقب آن قرار دارند در راستای منافع بیگانگان برای ادامه قتل و خونریزی بیشتر اوضاع کشور ما را بیشتر بحرانی کرده و در آب گل آلود برایشان ماهی سید میکنند.

بسیاری از تحلیل گران امید به اجلاس افغانها در آلمان که گفته میشود در دیدار های اخیر خلیل زاد با مقامات اتحادیه اروپا در نظر گرفته شده است دوخته اند که هنوز ترکیب و نحوه تدویر آن مشخص نیست. من به آنچه خلیل زاد مبتکر تدویر آن باشد باور ندارم زیرا او از همان آغاز کارش با مجاهدی در زمان ریگن تا اکنون هیچ گاهی برای اسقرار

صلح و ثبات در کشور ما بر نداشته است و از او منحيث مجري دساتير CIA در امور افغانستان چنين انتظاري دور از درايث سياسي است اما ابتكارات اتحاديه اروپا منجمله کشور آلمان که برای ثبات نسبي جهان غرض تبادلہ تجارت و بهبود امور اقتصاد علاقه دارد ميتواند قابل تأمل باشد.

حکومت بنا بر دلایل مختلف که از این بحث خارج است نواقص و نا رسایی هایی دارد. یکی از نا رسایی ها عدم اطلاع دهی بموقع از زدو بند های پشت پرده در قبال افغانستان میباشد که اعتبار حکومت را خدشه دارمیسازد. شاید حکومت در این عرصه مجبوریت هایی داشته باشد ولی مردم حق دارند چه معامله بر سر سرنوشت شان در حالت تکوین است. این عدم آگاهی مردم تبر مخالفین را نیز دسته میکند. اما حکومت – حکومت است، بر همه مردم است تا در کنار حکومت خویش قرار داشته و از این دزدان قطاع الطریق فاصله بگیرند. بیداری ملت شرط اساسی تحقق آرمانهای مردم است نباید دزدان برای ما دیکته کنند که چه کنیم یا چه نکنیم. کی به این مافیا ها و دزدان معلوم الحال وثیقه نماینده گی مردم را داده است که مردم را به بلوای عمومی دعوت میکنند؟